

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

شمی صلواتی
۱۱ می ۲۰۲۲



شمی صلواتی

«عاشق شدم»

دست خودم نبود
جوانی بود و - خریت!
وقتی که عاشق شدم
حس زیبایی وجودم را گرفت
ناخود آگاه سعی می کردم
واژه ها را صیقل بدهم و کنار هم بچینم
دوست داشتم نرم و با لطافت، زیبا حرف بزنم
سبیل تازه نقش بست و کم موی داشتم
دو تیغش کردم بعد رفتم مغازه «کاکه باقی» سیگار بخرم
کاک باقی شوکه شد
استغفرالله استغفرالله
فکر کرد که همجنسگرا شدم،
استغفرالله را قطع کرد
صدایش را کلفت کرد گفت
"دستت را کنار بکش، دست نمازم باطل می شود"

مشکلات دیگه هم سر راهم سبز شده بود

مثل روانیها هر لحظه پای آئینه
وسواسی خاصی در نوع پوشیدن لباس ،
از عطر و کرم، آرایش خوشم می آمد
تا حدی که مادرم "این زن ساده روستائی" بدجوری مشکوک شده بود
به زن همسایه مان گفتم اگر زحمت نمی شود یک نخی به صورتم ببنداز و - ابروهای کلفتم را تنظیم کن یعنی
خوشگلش کن
که باعث شوک شدن مادرم شد و زن همسایه گفت "ای وای آخر زمانه"
دختری که عاشقش بودم بی خبر بود
خریت نوجوانی بود فقط یک خوبی داشت البته خوبی های خاص!
من را از یک آدم زمخت به یک انسان نرم و لطیف عوض کرد و از هر چی مرد و مردسالار و خداپرسته جدا و تبدیل
کرد به یک انسان برابری طلب!
"شمی صلواتی"